

مردی که از جنوب آمد

محمدحسین سلطانی خبرنگار

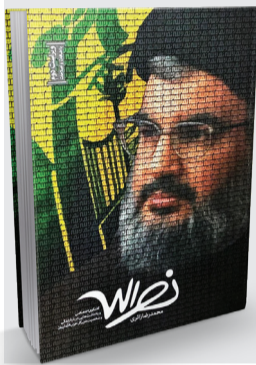
دوربین روی قاب همیشگی تنظیم شده، میکروفن روشن می‌شود و شهید سید حسن نصرالله روبه‌روی دوربین می‌نشیند. با آنکه مردم او را از پشت دوربین می‌بینند اما انگار تصویر، حائلی میان مردم و سید نیست. تصویر سید زنده است، یا به معنای دقیق‌تر، کلام

زنده است. کلامی که اصالتش زمانی هویدی می‌شود که روی کاغذ نقش می‌بندد. عدد کتاب‌هایی که با کلام سید نگاشته شده، بسیار است، آثاری که از لبنان نصرالله، از کودکی نصرالله، از مقاومت نصرالله گفته‌اند. با آنکه هنوز ناگفتنی‌ها بسیار است، به بخشی از کتبی خواهیم پرداخت که با کلام سید مقاومت یا برای کلام سید مقاومت نگاشته شدند.

ساده و دریک کلام؛ کتاب «نصرالله»

«مردی به اتاق وارد شده است و با لبخند و محبت دستش را به سوی من پیش آورده که سربازانش، اسطوره ارتش شکست‌ناپذیر خاورمیانه را متلاشی کرده‌اند و هزاران نفر به عشق او نام فرزندان‌شان را حسن و نصرالله گذاشته‌اند.» این چند خط، خطوط نوشته‌شده محمدرضا زائری است در کتاب «نصرالله»، زائری در کتابش از دیداری می‌گوید که چند روز پس از جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ اتفاق افتاده است. البته کتاب نصرالله به صرف گفت‌وگویی و با سید مقاومت خلاصه نمی‌شود و زائری در این کتاب به گفت‌وگویی خود با سید حسن نصرالله اکتفا نکرده و چند یادداشت و ترجمه گفت‌وگوهای سید مقاومت را با تعدادی از روزنامه‌ها و مجله‌های عربی و فرانسوی در این کتاب ذکر می‌کند. اما نقطه مهم کتاب همان گفت‌وگویی چند روز پس از جنگ ۳۳ روزه است. زائری که در آن روزها سنش به ۴۰ نرسیده به دیدار مردی می‌رود که قدرتمندترین ارتش آن روزهای خاورمیانه را زمین‌گیر کرده است. او کتاب ۱۱۲ صفحه‌ای خود را با شرح روز ملاقات آغاز می‌کند و تا محل دیدار پیش می‌برد و از لحظه ملاقات می‌گوید: «مردی به اتاق وارد می‌شود که نام و خاطره همه اسطوره‌های پایداری جهان را با ایست

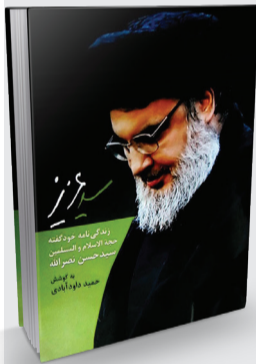
و عظمت خود کم‌زنگ ساخته است. مردی که امتش عاشقانه تمام زندگی و هستی‌شان را فدای او می‌کنند و او تمام زندگی و عزیزترین پسرش را فدای عقیده‌اش کرده است.» با وجود اینکه کتاب نصرالله توانسته به وجوهی مهم از زندگی و نگاه شهید مقاومت بپردازد اما زائری در مقدمه کتاب به این نکته اشاره می‌کند که شهید مقاومت لبنان در بیان‌ش موضوعات دیگری را ترجیح می‌دهد است: «برخی نزدیکان و دوستان ایشان هم سعی کردند ایشان را برای تکمیل این طرح (نوشتن بازشناسی و معرفی کامل ایشان) راضی و ترغیب کنند اما هیچ نتیجه‌ای حاصل نشد و همچنان ایشان ترجیح داده‌به جای سخن گفتن از شخص دیرکلم به خود حزب‌الله یا شهدای مقاومت پرداخته‌شود.»



«سید عزیز»؛ شبیه به بچه‌های ایرانی

«هر چیزی که مایه شناخت و تکریم بیشتر آن سید عزیز شود، خوب و برای من مطلوب است.» این جمله تقریظ رهبر انقلاب بر ابتدای کتاب «سید عزیز» است، کتابی که بر پایه همین جمله، نامش تغییر کرد. این کتاب که به کوشش حمید داودآبادی نوشته شده است، در ۱۴۴ صفحه به زندگی شهید مقاومت لبنان می‌پردازد. داودآبادی در این کتاب ساعت‌ها گفت‌وگویی اختصاصی خود با شهید مقاومت در سال ۷۷ را به رشته تحریر درمی‌آورد و از خاطراتی سخن می‌گوید که پیش از این کتاب در جایی مطرح نشده است. داودآبادی در مقدمه کتاب سید عزیز از اولین ملاقاتش با سید مقاومت می‌گوید: «اولین بار در تابستان ۱۳۶۲ در سفری به لبنان با حجت‌الاسلام والمسلمین «سید حسن نصرالله» آشنا شدم. همان ایام به دلیل شباهت چهره و خلق و خو، بچه‌های ایرانی - لبنانی به تبعیت از آنان - وی را خاتمه‌ای کوچک می‌خواندند.» ۱۲ سال بعد و در بهار ۱۳۷۴ مجدداً دیداری بین سید حسن نصرالله و داودآبادی در بیروت شکل می‌گیرد، البته این دیدار به

کتاب سید عزیز منتهی نمی‌شود و در زمستان ۷۷ دیدار منتج به کتاب رخ می‌دهد، دیداری که داودآبادی آن را این‌طور شرح می‌دهد: «زمستان ۱۳۷۷ طی سفری که به‌طور کامل شخصی - بدون هر گونه حمایت مادی و معنوی ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی - به لبنان داشتم، موفق شدم با همکاری دوست بزرگوار لبنانی ام موسی احمد قصیر (ابو احمد) طی دو جلسه در مجموع حدود ۶ ساعت خاطرات و زندگی خود گفته سید حسن نصرالله را ضبط و ویدئویی کنم.» کتاب سید عزیز از کودکی سید شهید تا روزهای شهادت محمد هادی، پسر شهید ایشان را روایت می‌کند. کتابی که اقبال مخاطبان را هم در پی داشته و توانسته به هفتمین چاپ خود برسد.



مردی که از جنوب آمد؛ «انقلابی جنوبی»

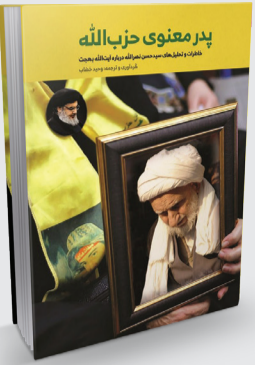
«زمانی که سپاه درندگان به مردم حمله کرد و مقاومت آنان را ترویر خواند و دین‌شان را خشونت‌آمیز، مقدسات مردم هتک شد و سرزمین‌شان اشغال؛ از میان آنان باید یک مرد انقلابی پیدا می‌شد. مرد انقلابی ما از جنوب بشریت، جنوب اسلام و جنوب عربیت سر برآورد؛ انقلابی معممی که برای مقابله با سپاه شمال اروپا و آمریکا و اسرائیل قیام کرد و نفعه تاریخ و روح حسین

که در کربلا با خون خود خضاب بست، از انقلابش به مشام می‌رسید. کربلا هنوز میان ما و در جهان معاصر ما زنده است و سید حسن نصرالله، این انقلابی معمم، می‌بایست بیاید تا قیام و عمامه باز با هم در فراز شوند و فصل تازه‌ای از عزت و کرامت و پیروزی و تن‌دادن به خواری در دین و دنیا را رقم بزنند.» این جملات مقدمه نویسنده و اندیشمند مصری،

«پدر معنوی حزب‌الله»؛ از سید حزب‌الله به پدر معنوی حزب‌الله

«حضرت آیت‌الله بهجت در همان روزهای اول جنگ برای من پیغام فرستادند. انتقال پیام هم به صورت غیرمستقیم صورت گرفت، یعنی آن برادری که از قم آمده بود با یکی از برادران مان تماس گرفت تا به کسی که پیش من بود خبر داده بود و ایشان برای من نقل کرد که حضرت آیت‌الله بهجت برایتان پیغام فرستاده که «خیال‌تان راحت باشد. شما آن‌شاء‌الله در این جنگ پیروز خواهید شد.» این جملاتی است که شهید نصرالله مدتی پس از رحلت آیت‌الله بهجت، در گفت‌وگویی اختصاصی با شبکه المنار لبنان بیان کرد. جملاتی که در سال ۹۸ تبدیل به کتاب «پدر معنوی حزب‌الله» شدند. در این کتاب شهید نصرالله به تفصیل به بازگویی خاطرات و تحلیل‌های خود درباره آیت‌الله بهجت پرداخته‌اند. خاطراتی که وحید خضاب آنها را گردآوری و به زبان فارسی ترجمه کرده است. در این کتاب به نقل از شهید مقاومت به نقش آیت‌الله بهجت در تفکر هسته مرکزی حزب‌الله، نامه‌نگاری‌های میان ایشان و شهید مقاومت در میان جنگ لبنان اشاره شده است؛ اتفاقاتی که باعث می‌شود شهید نصرالله این جملات را درباره نسبت میان حزب‌الله و آیت‌الله بهجت بگوید: «بنده شخصا بسیاری از چیزهایی که

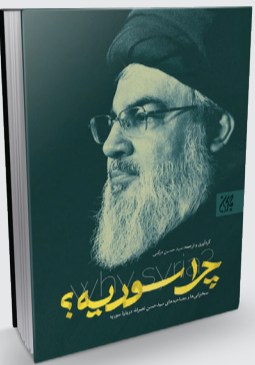
در مورد حضرت شیخ بهجت نوشته و جمع‌آوری شده بود را خواندم، ولی معتقدم آیت‌الله بهجت در واقع پدری معنوی بودند و ما نیز ایشان را پدری معنوی می‌دانستیم. این موضوع پس از رحلت امام خمینی (ره) تقویت شد. هنگامی که دیدیم رهبر و ولی امر ما یعنی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای وقتی برای زیارت به قم مشرف می‌شوند بسیار اصرار دارند با حضرت شیخ دیدار کنند، توشه بگیرند، سوال کنند، استفاده ببرند و از راهنمایی‌های او بهره ببرند، دیگر تکلیف ما به عنوان سربازان و پیروان آن رهبر مشخص بود.» کتاب پدر معنوی حزب‌الله به چاپ پنجم خود رسیده، کتابی که در ۸۸ صفحه تلاش کرده تا از وجه دیگری به حزب‌الله، شهید مقاومت و ارتباط، مقاومت لبنان با علمای شیعه ایران بپردازد.



«چرا سوریه»؟

در بحبوحه‌ای که در سال ۲۰۱۱ سوریه درگیر ناآرامی شده بود، شهید سید حسن نصرالله دستور حمایت از دولت سوریه را داد تا حزب‌الله وارد جبهه جدیدی بشود، جبهه‌ای که بسیاری از سیاستمداران لبنانی سعی کردند با این استدلال که درگیری‌های داخلی سوریه به لبنان ارتباطی ندارد، سید مقاومت را از حضور در آن منصرف کنند. اما شهید نصرالله برای ورود به سوریه دلیل دیگری داشت. کتاب «چرا سوریه؟» به صورت شفاف به بحران پیچیده سوریه از زبان سید حسن نصرالله می‌پردازد. کتابی که سید حسین مرکبی آن را در ۴۴۸ صفحه به رشته تحریر درآورده است. چرا سوریه؟ با روایت وی از کتاب خاطرات تولی بلر، سه سال پیش از وقوع بحران آغاز می‌شود که بلر از اراده جهان برای نابودی کشور او (نه حکومت) سوریه سخن می‌گوید. کتاب، مراحل ورود نیروهای حزب‌الله، ایران و روسیه به نبرد سوریه و علت‌های آن را بیان می‌کند و از زمینه‌ها، انگیزه‌ها، هدف‌ها، پروژه‌ها، زمان‌بندی‌ها، طرف‌های درگیر، محدودیت‌ها، خط‌قرمزها، جایگزین‌ها،

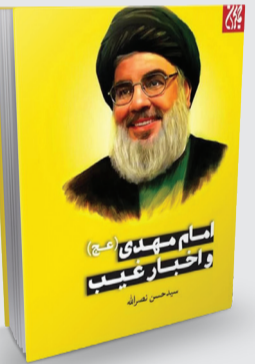
مسئولیت‌ها و حال و آینده سخن می‌گوید و به شرح تناقضات میان نظر حکام عربی در مساله اسرائیل با مساله سوریه می‌پردازد: «از تفاوت‌های بزرگی که همه را به تفکر درباره آن فرامی‌خوانم این است که فرض کنیم این دولت‌های عربی هیچ ارتباطی با آمریکا، اسرائیل و غرب ندارند. آنها را بگذارید کنار، به دولت‌های عربی بگویید راه‌حل مساله اسرائیل چیست؟ می‌گویند راه‌حل سیاسی، راهی جز مذاکره نیست. گفت‌وگو و مذاکره با اسرائیل. خب سقف زمانی دارد؟ نه ندارد. چند وقت است در حال مذاکره هستند؟ ده‌ها سال. خب بیایید در سوریه نیز به حل سیاسی بپردازید. می‌گویند دیگر زمان نیست. دیگر دیر شده. چطور می‌شود؟ برای ما توضیح دهید برادران.»



جدال با مشکل روز؛ «امام مهدی (عج) و اخبار غیب»

موضوع اخبار آخرالزمان، مساله‌ای بود که سید حسن نصرالله در ۳ سخنرانی خود در شب‌های پنجم، هفتم و نهم دهه اول محرم سال ۲۰۱۴ به آن پرداخت. روایات آخرالزمان همواره از مسائل بحث‌برانگیز در جامعه علمی بوده، اما در سال‌های اخیر به واسطه سرعت تحولات منطقه از عراق و شام تا حجاز و یمن، به سطح عمومی جامعه کشیده شده است. فراگیر شدن چنین مباحثی در جامعه عربی به ویژه جامعه شیعی لبنان بهانه خوبی بود تا شهید مقاومت از فرصت سخنرانی‌های دهه محرم به بهترین شکل استفاده کند و هم موضوع موردعلاقه و اهتمام جامعه و جوانان را به بحث بگذارد، موضوعی که سید حسین مرکبی آن را در کتاب «امام مهدی (عج) و اخبار غیب» جمع‌آوری کرده است. شهید مقاومت در بخشی از این کتاب این‌طور مساله را شرح داده است: «بعضی از مردم شبانه‌روزشان این شده است، نه درس می‌خوانند نه کار می‌کنند نه جهاد می‌کنند نه جان‌فشانی می‌کنند، پس چه می‌کنند؟ شبانه‌روز در حال

مطالعه نشانه‌های ظهور هستند، خیلی خب. متخصصان باید روی نشانه‌ها کار کنند اما آیا همه ما باید کارمان این باشد؟ ما کار، مسئولیت، تکلیف شرعی، چالش و خطراتی پیش رو داریم. هر آینده‌ای در انتظار ما باشد مسئولیت ما این است که به وظیفه شرعی‌مان عمل کنیم، این از مهم‌ترین درس‌های امام حسین (ع) در کربلاست.» مباحث این سخنرانی‌ها که سید حسین مرکبی آنها را در ۸۷ صفحه جمع‌آوری و ترجمه کرده، به این شرح است: «مبحث اول: نگاهی به راه‌های آگاهی از غیب، مبحث دوم: نگاه اسلام به اخبار غیب و آینده و مبحث سوم: روش مطالعه در نشانه‌های ظهور.»



حرکت تو تا بیت المقدس ادامه خواهد داشت

با شهادت سید حسن، برخی از هنرمندان واکنش نشان داده و دلنوشته‌ای برای این شهید والا مقام نوشتند. ابراهیم حاتم‌کیا، کارگردان شناخته‌شده سینما و تلویزیون نوشت: «سید این احوال دوگانه را چه کنم؟! مگر جامه‌ای جز زخمت شهادت بر تو زبینه بود. کاش سید، مقابلت نشسته بودم و متن سوگنامه را با خودت تمرین می‌کردم. مطمئنم هر بار جمله‌ای در وصف تو می‌نوشتم با آن گونه‌های سرخ و محبوبی، می‌خندیدی و مرا خجالت‌زده می‌کردی. سید، جگرم سوخت. باروش سخت است که لبنان بدون تو را تصور کنم. سید، بارها در لبنان به عشق دیدارت به انتظار نشستم و سهم دیدارت نصیب نشدم. سید، ارباب فرعون را به بازی گرفته‌ام و فریادی می‌کشم: صدا، دوربین، حرکت ولی عالم مجاز من کجا، عالم حقیقی تو و یارانت کجا. من مشغول قهرمان‌بازی مجاز بودم که خبر آمد سید حسن نصرالله رفت. صدا و دوربین خاموش ولی حرکت تو تا بیت المقدس ادامه خواهد داشت. اکنون من مانده‌ام و چشمان گریان آسیه‌الله که مقابل کشنجه فرعون برای دست کشیدن از حق منتظر است و او جز همشینی خدا چیزی نمی‌بیند. سید، این قوم فرعون‌ی به گواه تاریخ رفتنی‌اند ولی راه تو و مرام و نگاه مقاومت همچنان ماندنی خواهد بود. من که حاضر نیستم تصویر انگشت اشاره‌ات که به سمت اسرائیل نشانه می‌رفتی را، لحظه‌ای



از نظرم پاک کنم و بر پیکر پاره پاره‌ات نظر کنم. سید زنده است. راه مقاومت زنده است.»

فرمانده نبرد با جعل

برای «شخصیت مبارز مورد علاقه خارجی» می‌نویسم. برای سید حسن نصرالله؛ دیرکلم حزب‌الله لبنان. طبیعی است برای بسیاری این سوال پیش آید که در بین این همه آدم چرانصرالله؟ (ا) برای من اسرائیل موجود شری است، به تعبیری خود شراست اصلاً. آن قدر که با این صحبت امام موسی صدر همدل باشم که گفت اگر جنگی بین شیطان و اسرائیل ایجاد شود؛ من طرف شیطان خواهم ایستاد. (۲) حالاً ممکن است سوال این‌گونه تغییر کند که مساله اسرائیل چیست که اینقدر باید با او دشمنی کرد؟ ممکن است برخی بگویند بالاخره جایی حکومتی تشکیل شده و آدم‌ها باید با صلح زندگی کنند و از این حرف‌های قشنگ. با این حال مساله اسرائیل از دید من چیز دیگری است. (۳) پذیرش موجودیتی به نام اسرائیل خیانت به حقیقت است. کسانی که شعار صلح می‌دهند از این موضوع غافلند که با این کار در واقع شمشیر واقعیت را در قلب «حقیقت» فرو می‌کنند. آنها در واقع به ما می‌گویند چون رژیم صهیونیستی حالا هست باید به هر طریقی مورد پذیرش قرار گیرد. درحالی‌که نمی‌توانیم بپذیریم

واقعیت‌های جهان به پشتوانه پول و قدرت نظامی، اینقدر ساده حقیقت را ذبح کنند و ما هم به بهانه زیبایی مثل صلح برای این قربانی شدن کف بزنیم. (۴) سید حسن نصرالله را دوست دارم چون یکی از کسانی است که در خط مقدم نبرد با تحریف حقیقت ایستاده است. می‌خواهند بگویند عرب است یا از ایران پول می‌گیرد یا هزار تازی دیگر از این ایرادها که هزار بار هم به آن پاسخ داده شده و اگر کسی واقعاً به دنبال جواب بوده باشد، باسشخ را گرفته. عبی ندی. ولی برای من حقیقت مهم است. برای من مهم این است که یک مرد ۶۴ ساله که از ۱۹۶۰ در جنوب لبنان دارد با چشمان خود ذبح حقیقت را می‌بیند حالاً آنجا ایستاده و از جان خود هم گذشته. برای من مهم این است که حالا پسر سبزی فروش لبنانی که با عکسی از امام موسی صدر در مغازه پدرش، راه خود را انتخاب کرد به جایی رسیده که ارتش چهارم دنیا برای ترورش ۸۵ تن بمب آوار می‌کند. برای من مهم این است که اگر کسی بپرستد یک مرد را در این دنیا نشان بده آدم می‌تواند با خیال راحت دستش را بگذارد روی نام سید حسن نصرالله و افتخار کند که او «شخصیت مبارز مورد علاقه خارجی» است. فرمانده نبرد با جعل. آن هم وقتی که هرکس هرکار از دستش برمی‌آید انجام می‌دهد که حقیقت را قربانی کند.

مصطفی بیات خبرنگار